خاطره

تحولات آبادان در آبان‌ماه پرمخاطره ۱۳۵۹

فرمان شکست حصر آبادان چگونه صادر شد؟

غلامحسین بهبودی

در آبان ۱۳۵۹ تحولاتی در جنوب خوزستان و مشخصاً شهر آبادان رخ داد که باعث شد، حضرت امام خمینی(ره) فرمان شکستن حصر آبادان را صادر کنند. این فرمان تقریباً ۱۱ماه بعد به اجرا در آمد. وقتی که در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ ارتش و سپاه در عملیاتی مشترک به نام ثامن‌الائمه(ع) حصر یک‌ساله آبادان را شکستند و دشمن را برای همیشه از پیرامون این شهر فراری دادند.

روزهای پرمخاطره

در روزهای ابتدایی آبان ۱۳۵۹، عراق توانست اشغال بخش اصلی خرمشهر که در ساحل چپ کارون قرار داشت را تکمیل کند. چهارم آبان مسجد جامع خونین‌شهر به تصرف عراق درآمد و نیروهای ایرانی در آن سوی کارون و محله کوت شیخ موضع گرفتند. از این زمان دیگر خرمشهر از دست رفته بود و به همین خاطر تمرکز عراق روی تصرف آبادان معطوف شده بود. شهری که چسبیده به خرمشهر بود. اما به خاطر وجود سه رود کارون، اروند و بهمنشیر، در یک حالت جزیره‌ای قرار داشت و عراق نمی‌توانست نیروی زمینی‌اش را راهی این جزیره کند. لذا به محاصره آن پرداخت تا مگر مدافعان شهر را مجاب به تسلیم کند.

۹ آبان ۵۹

در روز نهم آبان ۱۳۵۹، یک گردان از نیروهای کماندویی عراق با عبور از بهمنشیر در منطقه کوی ذوالفقاری، خود را به حومه آبادان رساندند. آنها از جایی وارد شده بودند که با نخلستان‌ها محصور شده بود و دید کافی نداشت. لذا عراقی‌ها با کار گذاشتن پل‌های متحرک، سعی داشتند ادوات سنگین‌تر را به آبادان منتقل کنند که در یاقلی سورانی از اهالی آبادان آنها را می‌بیند و به نیروهای خودی اطلاع می‌دهد. نیروهای سپاه و ارتش و بسیج مردمی که عموماً در قالب نیروهای فدائیان اسلام بودند، به کوی ذوالفقاری رفتند و عراقی را فراری دادند. اما نفوذ ارتش عراق به این قسمت از آبادان و همچنین تسلط آنها به آن سوی بهمنشیر، آبادان را کاملاً در محاصره قرار داده و اخبار این ماجرا به تهران و حضرت امام نیز رسیده بود.

صدور فرمان امام

حضرت امام(ره) در چهاردهم آبان ۱۳۵۹ به قوای مسلح ایران تأکید کرد که حصر آبادان باید شکسته شود. اهمیت آبادان در نظر امام‌خمینی از آن جهت بود که این شهر نقطه اصلی جنگ و مورد طمع دشمن بود. آبادان یکی از اصلی‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای خوزستان به شمار می‌رفت و سقوط آن می‌توانست باعث تضعیف روحیه رزمندگان شود.

با صدور فرمان امام مبنی بر شکست حصر آبادان، رزمندگان از همان زمان این فرمان را در دستور کار خود قرار داده و طرح‌های مشترک سپاه و ارتش برای شکست حصر آبادان شکل گرفتند. در طرح مانور، سه محور عمده و یک محور فرعی برای انجام عملیات در نظر گرفته شده بود. محور شمالی شامل منطقه دارخوین و محمدیه و محور جنوبی شامل محور فیاضیه و ایستگاه ۷ بود. اما پیش از شکست حصر آبادان باید اتفاقات دیگری می‌افتاد. عزل بنی‌صدر و اتحاد بین ارتش و سپاه یکی از همین اتفاقات بود که وقتی میسر شد، طرح‌ریزی برای شکست محاصره آبادان با جدیت بیشتری دنبال شد.

مهر ۱۳۶۰

در پنجم مهر ۱۳۶۰، عملیات ثامن الائمه(ع) در منطقه عملیاتی آبادان آغاز شد. این عملیات ظرف تنها دو روز منجر شد تا نیروهای محاصره کننده آبادان از پیرامون آن فرار کنند. ثامن‌الائمه یکی از عملیات اشتراکی و مهم بین ارتش و سپاه بود. با انجام این عملیات، عراق بزرگ‌ترین شکست خود در جنگ تحمیلی را متحمل شد. پیروزی در آبادان، شروعی بر سلسله پیروزی‌هایی بود که کمی بعد منجر به آزادی بستان، مناطق عملیاتی شمال خوزستان، خرمشهر و... شد. هرچند بین صدور فرمان امام برای آزادی آبادان و شکست حصر این شهر ۱۱ماه فاصله بود اما رزمندگان نشان دادند؛ هرگاه فرمانی از امام دریافت می‌کنند، با تمام وجود به تعقیب آن پرداخته و نهایتاً انجامش می‌دهند.

آتش سوزی در تاسیسات نفتی آبادان

حضرت امام(ره) در چهاردهم آبان ۱۳۵۹ به قوای مسلح ایران تأکید کرد حصر آبادان باید شکسته شود. اهمیت آبادان در نظر امام‌خمینی از آن جهت بود که این شهر نقطه اصلی جنگ و مورد طمع دشمن بود. آبادان یکی از اصلی‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای خوزستان به شمار می‌رفت و سقوط آن می‌توانست باعث تضعیف روحیه رزمندگان شود

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید کیوان پیری از شهدای تجاوز امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران

«رزق حلال» نردبان شهادت برادرم شد

شهید پیری به همراه فرزندش امیرطاها

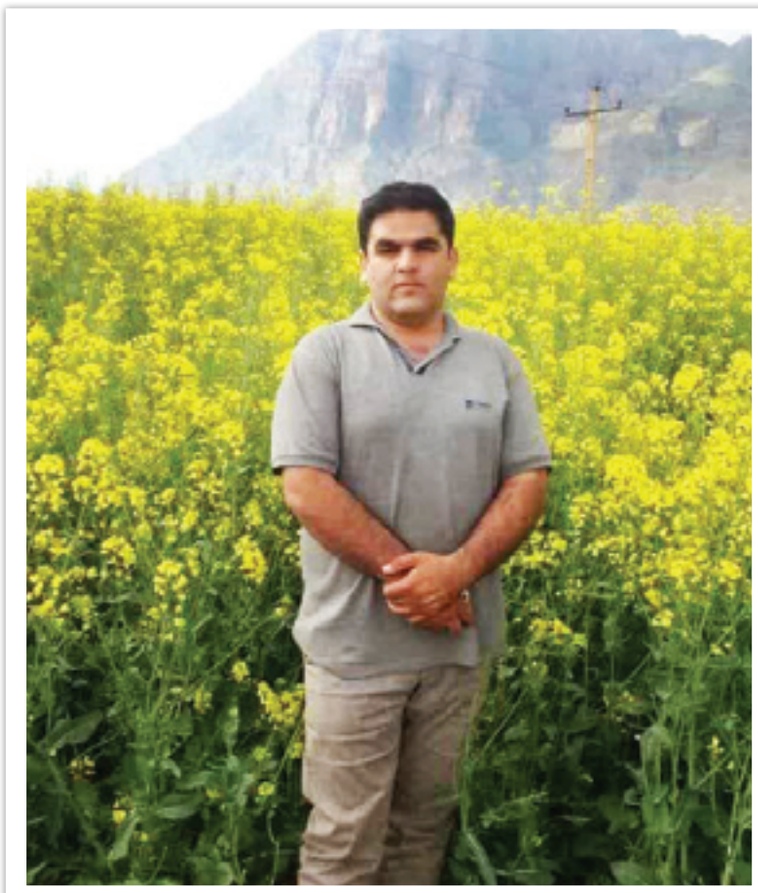

شهید کیوان پیری از شهدای تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی

علیرضا محمدی

شهید کیوان پیری از شهدای حمله رژیم صهیونیستی و امریکا به کشورمان است که صبح روز ۲۳خردادماه در کنگاور به شهادت رسید. کیوان تا دقایقی قبل از شهادت، پیگیر اخبار شروع جنگ و حوادث رخ داده در تهران بود. به گفته برادرش آرش که آن روز در تهران حضور داشت، کیوان که با شنیدن خبر شهادت سرداران و فرماندهان به شدت ناراحت بود، مرتب با برادر تماس می‌گرفت و اخبار را پیگیری می‌کرد. در حالی که خبر نداشت تا دقایقی دیگر، خودش نیز در بمباران رژیم کودک‌کش اسرائیل به شهادت خواهد رسید. در گفت‌وگویی که با آرش پیری، برادر کوچک‌تر شهید کیوان پیری انجام دادیم، گذری به زندگی این شهید داشتیم که اصالتاً اهل شهر خرم‌آباد است و از شهدای این شهر نیز به شمار می‌رود.

آخرین دیدارتان با برادر چه زمانی بود؟

تقریباً ۱۰روز قبل از شروع جنگ و شهادت کیوان، من به خرم‌آباد رفته بودم و ایشان هم آنجا حضور داشت. در خانه پدری همدیگر را دیدیم و برای آخرین بار ساعتی کنار ایشان بودم. آن روز حرف‌های خاصی بین ما رد و بدل نشد. اما بعدها که به آخرین دیدار فکر کردم، احساس می‌کنم برادرم حال‌وهوای خاصی داشت. مثل همیشه نبود. بیشتر توی خودش بود و حرف‌هایش رگه‌هایی از دلتنگی در خودش داشت.

شما در تهران ساکن هستید؟

بله من در ارتش مشغولم و فعلاً در تهران ساکن هستم. روز شهادت برادرم هم تهران بودم.

برادرتان عضو سپاه بودند و شما ارتشی، در خانواده چند برادروخواهر هستید؟

ما پنج برادر هستیم. کیوان دومین برادر و متولد سال ۱۳۶۷ بود. من هم متولد سال ۱۳۷۶ هستم. از میان برادرها من نظامی هستم و کیوان که به شهادت رسید. اخوی ۹سال از من بزرگ‌تر بود. از بچگی چیزهای زیادی از او آموختم. شخصیت مهربانی داشت و حامی ما بود. اگر مشکلی داشتیم سعی می‌کرد به اندازه توانش آن مشکل را حل کند. ما را راهنمایی می‌کرد و کمتر عصبانی می‌شد. کلاً آدم خنده‌رویی بود. اگر از من بپرسند بارزترین خصوصیت اخلاقی شهید چه بود؟ می‌گویم آدم خوش اخلاقی بود و به صله‌رحم خیلی اهمیت می‌داد.

چطور خانواده‌ای دارید، کیوان در چه جوی بزرگ شده بود؟

ما یک خانواده معمولی و سنتی خرم آبادی هستیم. نمی‌توانم بگویم خیلی مذهبی اما رعایت شئون دینی در خانواده ما از قدیم مرسوم بود. پدرم در نیشکر خوزستان کار می‌کرد و چون کمک حال پدربزرگ بود، نتوانست به جبهه برود. اما دو عمویم به جبهه رفته بودند. کیوان از کودکی به مسجد محله می‌رفت. زمانی که او در بسیج فعالیت می‌کرد من سن کمی داشتم و خیلی یادم نمی‌آید. ولی تا همین حد می‌دانم، اهل مسجد و بسیج بود. بعدها که ازدواج کرد کمتر به بسیج می‌رفت و مشغله‌های خودش را داشت. حضور در هیئت‌های مذهبی در زندگی شهید پیری پررنگ بود. کلاً ایام محرم در خرم‌آباد بسیار ویژه برگزار می‌شود و جوان‌های این شهر بسیار مقید به برگزاری مراسم عزای امام‌حسین(ع) هستند.

برادرتان از چه زمانی به عضویت سپاه درآمده بود؟

کیوان از سال ۹۲جذب سپاه شده بود. تا همین اواخر در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) بود. قبل از عید رفت به مجموعه هوافضا و از همان طریق به کرمانشاه اعزام شده بود. محل شهادتش هم کنگاور در کرمانشاه است. من زیاد از مسائل کاری‌اش نمی‌دانستم. در قرارگاه خاتم که بود، کارهای مختلفی انجام می‌داد. مثل حراست، لجستیک و... ولی در هوافضا که مدت زیادی هم از حضورش در آنجا نمی‌گذشت، از نوع کارش بی‌خبر بودم.

امیرطاها تنها فرزند و یادگار برادرم است. امیرطاها در شهادت پدرش هرچند بسیار ناراحت بود، اما روحیه‌اش را حفظ کرد. با اینکه تک فرزند بود و خیلی رابطه صمیمی با پدرش داشت اما با شهادت بابا یک‌جور شوری در وجود این بچه به وجود آمد که گویی می‌خواهد راه پدرش را دنبال کند و هرگز مقابل دشمن سر خم نکند

شهید متأهل بودند؟

بله، یک فرزند پسر ۱۰ساله به نام امیرطاها دارد که تنها فرزند و یادگار برادرم است. امیرطاها در شهادت پدرش هرچند بسیار ناراحت بود اما روحیه‌اش را حفظ کرد. با اینکه تک فرزند بود و خیلی رابطه صمیمی با پدرش داشت اما با شهادت بابا یک‌جور شوری در وجود این بچه به وجود آمد که انگار می‌خواهد راه پدرش را دنبال کند و هرگز مقابل دشمن سرخم نکند.

شما هم نظامی هستید، شهادت برادر چه تأثیری روی روحیه شما گذاشت؟

کیوان سپاهی بود و من ارتشی. این دو نیرو همیشه کنار هم و پشتیبان یک دیگر بودند. بعد از شهادت اخوی، احساس می‌کنم مسئولیت من به عنوان کسی که در ارتش خدمت می‌کند، سخت‌تر شده است. در واقع دوست‌دارم راه برادرم را ادامه بدهم و نگذارم که سلاحش روی زمین بیفتد. دشمن فکر می‌کند با به شهادت رساندن کیوان و افرادی مثل او موفق می‌شود، ولی ما که هنوز هستیم و نفس می‌کشیم و راه این شهدا را ادامه می‌دهیم.

چطور از شهادت برادر مطلع شدید؟

روز ۲۳خرداد من تهران بودم که کیوان ساعت حدود ۴صبح با من تماس گرفت و از خواب بیدار شدم. شنیده بود، تهران را زده‌اند و می‌خواست از طریق من از اخبار مطلع شود. خیلی ناراحت بود سرداران به شهادت رسیده‌اند. من اصلاً متوجه صدای بمباران و اخبار نشده بودم. به کیوان گفتم از چیزی اطلاع ندارم. اما او که در کنگاور بود و گوشی ساده داشت، از من می‌خواست که جویای اخبار شوم و به او اطلاع بدهم. خیلی ناراحت بود و تا نزدیکی ساعت ۶صبح دو بار دیگر با من تماس گرفت. سری آخر قرار شد من به او زنگ بزنم. ساعت ۶ به او زنگ زدم. اما گوشی‌اش خاموش بود. فکر کردم چون در پادگان است، به خاطر شرایط جنگی گوشی را خاموش کرده است. خیلی خسته بودم و همین‌طور که سرجایم بودم، ساعت ۷صبح خوابم برد. نگو در همان ساعت ۶ که من زنگ زدم و گوشی کیوان خاموش بود، جایی که آنها حضور داشتند؛ مورد حمله رژیم‌صهیونیستی قرار گرفته و اخوی به شهادت رسیده بود. دو ساعت بعد ساعت ۹:۳۰ پسر عمویم که در تهران است، آمد سراغم. بیدار شدم و از آمدنش تعجب کردم. کمی که حرف زد متوجه شدم آمده تا خبری به من بدهد. نهایتاً گفت کیوان به شهادت رسیده است.

پدرمان به نان حلال اعتقاد زیادی داشت. کیوان هم این صفت خوب را از پدر به ارث برده و همیشه سعی می‌کرد رزق حلال کسب کند. اخوی معتقد بود بهتر است کمتر دربیاورد تا اینکه نانش شبهه ناک باشد. ساده‌زیستی را رعایت می‌کرد و همین نان حلالی که خورده و با آن پرورش یافته بود، باعث شد تا سعادت شهادت را نصیب خودش کند

تشییع پیکر شهید چه روزی بود؟

برادرم جمعه ۲۳خرداد شهید شد و پیکرش به همراه چند شهید دیگر روز دوشنبه ۲۶خرداد تشییع و به خاک سپرده شد. هنوز در بحبوحه جنگ بودیم و خرم‌آباد تا روزهای آخر جنگ هم بمباران شد و شهید داد. اما مردم زیادی برای تشییع پیکر شهدا آمده بودند. هیچ ترسی از دشمن نداشتند و شهدای‌شان را رهسپار خانه ابدی‌شان کردند.

شما هم نظامی هستید، بعد از شهادت کیوان، به محل کارتان برگشتید؟

بله، من در همان ایام جنگ به تهران برگشتم. هرچند اقوام می‌گفتند خطرناک است و کیوان تازه شهید شده، تو دیگر به محل کارت برنگرد اما نمی‌شد در آن شرایط بی‌تفاوت بود. خانواده هم گفتند که به تهران برگردم.

الان روحیه پدرومادرتان چطور است؟

آنها پسرشان را از دست داده‌اند و طبیعی است که ناراحت باشند. بعد از شهادت کیوان، پدرم دو، سه بار در بیمارستان بستری شده است. اما شهادت و اینکه پسرشان عاقبت‌بخیر شده، یک جور تسلای خاطری به پدرومادرم می‌دهد. روز تشییع پیکر کیوان، من کنار پیکرش و داخل آمبولانس رفتم. کفن پیچ بود و نتوانستم او را ببینم. ولی اقوام که دیده بودند، می‌گفتند پیکر کیوان سالم بود و انگار یک ضربه‌ای به سرش خورده بود که همین ضربه باعث خونریزی مغزی و شهادتش می‌شود.

چه خاطره‌ای از برادر دارید؟

تمام لحظات در کنار او بودن خاطره است. نمی‌دانم از چه بگویم. امسال عید با هم به خوزستان رفتیم. برادرم اصرار داشت حتماً به خانه مادربزرگم در اندیمشک برویم. عرض کردم خیلی به صله‌رحم توجه داشت و در مواقعی که فرصتی گیر می‌آورد، سعی می‌کرد حتماً به اقوام سربزند. این سفر آخری که چند ماه قبل از شهادتش بود، خیلی توی ذهنم مرور می‌شود. آخرین باری بود که با اخوی سفر رفتیم و خبر نداشتیم که چند ماه بعد دیگر او را نمی‌بینیم.

به نظر شما چه نکته‌ای در زندگی شهید کیوان پیری وجود دارد که او را لایق شهادت کرد؟

پدرمان یک عمر زحمت کشید و کار کرد تا نان حلال سر سفره خانواده‌اش بیاورد. کیوان هم این صفت خوب را از پدر به ارث برده و همیشه سعی می‌کرد رزق حلال کسب کند. اخوی معتقد بود بهتر است کمتر دربیاورد تا اینکه نانش شبهه‌ناک باشد. ساده زیستی را رعایت می‌کرد و همین نان حلالی که خورده و با آن پرورش یافته بود، باعث شد تا سعادت شهادت را نصیب خودش کند. رزق حلال نردبان شهادت کیوان شد. برادرم ترسی از مرگ نداشت. به ولایت فقیه و خدمت به وطنش عرق خاصی داشت و نهایتاً هم جانش را در مسیر خدمت به همین کشور و مردم فدا کرد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۴۴۵

از راست به چپ

■۱-از تأکیدات همیشگی مقام معظم رهبری در مدیریت کشور توجه به آن است ■۲-اجازه-از ابزارهای جنگ نرم-مفت نشده ■۳-گشوده-برگه-داستان ادبی-حرف نهم یونانی ■۴-قطار-پرنده‌ای شکاری-پسوند خریدار-سرد ■۵-نوعی تیر جنگی-نوجوان شهید دشت کربلا-آنچه به غیر خدا باشد ■۶-تکیه بر پشتی-مادر لر-دیگر و غیر ■۷-ریشه-ایمن-زبان علمی و ادب در اروپای قرون وسطی-حرف پیروزی ■۸-شهر آرامگاه پروین اعتصامی-فلزی سفیدرنگ مایل به آبی که برای تهیه باتری‌های قابل شارژ استفاده می‌شود-مخترع تلفن ■۹-باران اندک-دریاچه خشک‌شده سیستان-خوش و زیبا-تخم‌مرغ فرنگی ■۱۰-خاندان و طایفه-زیرخاک کردن-جزیره زادگاه ناپلئون ■۱۱-استخوانی در گوش-توان و قدرت-خبرگزاری ایتالیا ■۱۲-فرمان توقف-امر به گفتن-نوعی کباب-جزیره دوگانه ■۱۳-سازمان آزادی‌بخش فلسطین-خوراک ضبط صوت-زنگ-نام قدیم یزد ■۱۴-هزار کیلو-قیمتی-وسیله‌ای برای پخش صدا ■۱۵-کنایه از احساس سربلندی و غرور کردن است

از بالا به پایین

■۱-از القاب امام علی(ع)-صداقت ■۲-رود مرزی-هنرپیشه ایفا می کند-موجودیت ■۳-علامت بیماری-لوله تنفسی-افسوس خوردن ■۴-هموار-درس خوانده-بزرگی و ابهت-آغوش ■۵-مایل و کج-یکی از ارکان تعاون-غارت و چپاول ■۶-کار سخت-بی نام تو کی کنم باز-شاهد ■۷-آب تازی-راه توشه-ورزش میدانی-صحرایی در امریکا ■۸-عمق-کهنسالی-هر مثلثی دارد ■۹-به پایان رساندن-از حروف خطاب-فلز گلوله-فرار حیوان ■۱۰-حالتی در زن باردار-پایه و رکن-دعای زیرلب ■۱۱-نویسنده آلمانی کتاب یوسف و برادرانش-دارایی کسی-پربها ■۱۲-خدای قوم ژرمن-نوعی طلاق-کارزار-قرص روانگردان ■۱۳-پدر عمار-از منابع فقه-رود چین ■۱۴-قطار زیرزمینی-دوستی-مظهر سفتی و سختی ■۱۵-عاملی است مهم در بقا و تداوم خوشبختی در بین همسران-گل‌های برجسته که با رشته‌های نقره یا طلا روی پارچه می‌دوزند

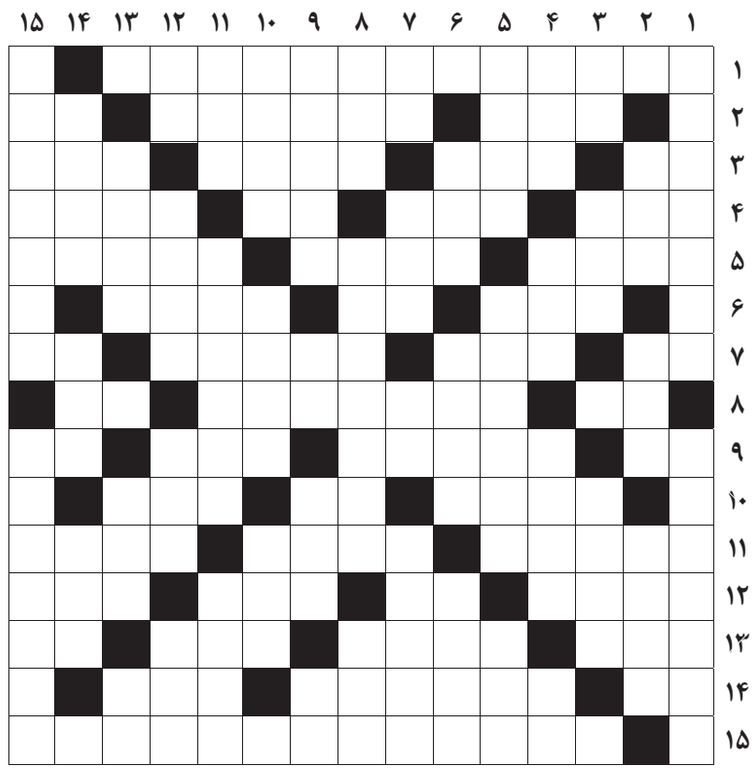

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۱		۶					
			۵			۹		۷
۶			۲					
۲	۷						۵	
	۴			۷				
	۶			۹			۲	
۱		۸						
۹					۶			۱
					۱	۴		۲

۴	۶	۲	۱	۵	۷	۳	۹	۸
۱	۲	۷	۳	۶	۸	۴	۵	۹
۳	۸	۵	۹	۴	۲	۷	۱	۶
۹	۴	۸	۵	۶	۱	۲	۳	۷
۷	۱	۳	۴	۸	۹	۶	۲	۵
۶	۵	۹	۷	۳	۲	۱	۸	۴
۸	۳	۶	۲	۷	۴	۹	۱	۱
۲	۹	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۵	۷	۴	۶	۱	۳	۸	۹	۲

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۴۴۴

س	ن	گ	■	ف	ر	ا	ن	ت	س	ک	ا	ف	ک	ا
ا	ر	ا	ز	■	ف	ر	و	ش	ن	د	ه	■	ا	ق
ر	ی	ز	و	م	■	د	و	ر	گ	ه	■	س	ر	ی
ب	ش	ر	■	ج	د	■	ل	ی	د	■	ر	و	پ	ا
!	ن	■	ک	ل	ا	چ	■	ف	ا	■	ر	ی	ا	ن
ن	■	ک	ا	س	ی	ا	س	■	ن	گ	■	ا	ر	و
■	چ	م	ل	■	م	ل	و	س	■	ل	ا	■	ف	س
ا	■	ر	ا	س	ی	و	ن	ا	ل	ی	س	م	■	ی
و	س	■	ر	و	■	س	ا	ب	ر	■	ک	ه	ر	■
م	و	چ	■	ز	د	■	ر	ا	ز	د	ا	ر	■	م
ا	م	ی	ر	■	ا	م	■	ط	ا	ی	ر	■	ت	ل
ن	ا	ب	ت	■	ی	ش	م	■	ن	ب	■	چ	ر	ا
ی	ت	ی	■	ا	م	ک	ا	ن	■	ا	ر	م	ی	ن
س	ر	■	ا	س	ل	ا	ل	و	م	■	ی	ا	ل	و
م	ا	ر	گ	ا	ر	ت	ت	ا	چ	ر	■	ن	ر	م